

جزای اعمال علت محرومیت

فاروق ایزدینیا

یکی از دلائلی که سبب محرومیت اهل عالم است، جزای اعمال خود آنها است. در موارد عدیده قلم اعلی به آن شهادت داده است:

"در لیالی و ایام اهل توحید را ذکر نموده و می‌نماییم و از برای کلّ اتّحاد و اتّفاق می‌طلبیم تا آفاق به نور وفاق منور گردد و اهل توحید از سطوت مشرکین محفوظ مانند. الی حین اهل دیار توحید تفکر نمودند که سبب و علت ضعف ایشان و قوت مشرکین چه بوده. این مظلوم در جمیع احیان اهل امکان را به سبیل مستقیم الهی دعوت نموده و ذکر نموده آنچه را که سبب علوّ و سموّ اهل توحید بوده؛ ولکن آذان ممنوع و ابصار محروم. **جزای اعمال** اکثری را از فضل الهی و رحمت رحمانی دور نموده. از حقّ می‌طلبیم نائین را از نفحات آگاهی بیدار فرماید و غافلین را از کوثر دانایی محروم نفرماید تا کلّ به او راجع شوند و مسألت نمایند آنچه را که سبب عزّت و قوت و ارتفاع است. اوست مقتدری که به یک کلمه ذلت را به عزّت و فقر را به ثروت و جهل را به حکمت تبدیل فرماید." (آیات الهی، ج ۲، ص ۹۸)

"امروز هر نفسی به افق اعلی توجه نمود او از اهل توحید حقیقی لدی‌الله مذکور و مسطور. چه که این یوم مبارک به حقّ وحده منسوب است و در کتب قبل و بعد به یوم‌الله موسوم و مذکور. جمیع عالم از برای عرفان این امر اعظم خلق شده‌اند. ولکن **جزای اعمال** کلّ را منع نمود و محروم ساخت مگر نفوسی که ید قدرت ایشان را اخذ نمود و از ظلمت نفس و هوی نجات بخشید. اگر به جمیع اعضاء و جوارح و عروق و شعرات اَلّی الیوم الذی لا آخر له حقّ جلّ جلاله را ستایش نمایی و حمد کنی، هر آینه نزد این فضل اعظم معدوم صرف است." (آثار قلم اعلی، ج ۵، ص ۱۱۳ / آیات الهی، ج ۱، ص ۳۲۶)

"هزار و سیصد سنه یا حق گفتند و بعد به سیوف بغضا شهیدش نمودند. جزا در یوم جزا این بود و از این، مقام اعمال ظاهر و مشهود. الی حین اهل توحید بر ذلت وارده آگاه نه که سبب چیست و علت چه. اَقْوَى الأحزاب بودند و حال اَضَعْفُ الأحزاب مشاهده می‌شوند. قوت به ضعف و ثروت به فقر و عزّت به ذلت و ربح به خسارت تبدیل شد. لعمرا للهِ کلّ از **جزای اعمال** بوده و هست. حال، به مثابه قارون، در هر حین به اندازه یک اندازه به زمین فرو می‌روند و شاعر نیستند." (مجموعه اشراقات، ص ۲۸۰)

"اهل عالم در قرون و اعصار از فراق مالک قدر نوحه می نمودند و عند ذکر اسمش خاضع و خاشع مشاهده می گشتند و حال، چون وعد رسید و حضرت موعود، یعنی مکلم طور، از افق سماء ظهور مُشرق و لائح گشت، کلّ بر اعراض قیام نمودند و گفتند آنچه را که هیچ حزبی نگفت. قلم گریست و سدره نوحه نمود و لوح بر تراب مقرّ اخذ کرد. انسان متحیر، بل عالم متحیر. باری، جزای اعمال آن نفوس شریره غافله را از فیوضات مأل محروم ساخت." (آیات الهی، ج ۲، ص ۲۷۹)

"به نام مقصود توانا یا مراد، مراد عالم آمد و نشناختند. محبوب عالمیان آمد از او اعراض نمودند. مکلم طور بر عرش ظهور مستوی، ولکن ندایش را نشنیدند و کلامش را نفهمیدند. جزای اعمال اهل عالم را از عرفان مالک قدم محروم نمود. حمد کن متقدر توانا را که تو را تأیید فرمود و راه نمود. از حق می طلبیم تو را موفق فرماید بر حفظ نعمت باقیه و مائده سماویّه و آن عرفان ذات مقدّسش بوده و خواهد بود." (مجموعه آثار مبارکه، شماره ۸۴، ص ۲۰۴)

"یا حسین، مظلوم از شطر سجن اعظم به تو توجه نموده و می فرماید قلم اعلی در لیالی و ایام اولیای حقّ جلّ جلاله را ذکر می نماید، یعنی نفوسی که رحیق مختوم را به اسم قیوم از ید عطا اخذ نموده اند و به آن فائز گشته اند. یا حسین، عالم از برای اصغاء و مشاهده افق اعلی و ندای احلی خلق شده و حقّ هم دوستان را دوست داشته، ولکن اعدا حائل شده اند. حروف را از کلمه و کلمه را از کتاب و ثمره را از شجره منع نموده و می نمایند. ضعیفند، لایق مشاهده نیستند و محرومند. قابل حضور نه، چه که جزای اعمال کلّ را از بحر اعظم منع نمود." (مجموعه آثار مبارکه، شماره ۸۴، ص ۱۹۹)